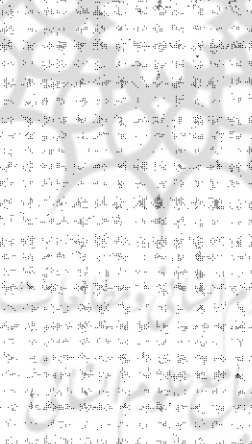


۵ اندیشه‌های ارتباطی

نقش ارتباطات در توسعه

یک صدای آبیانی؟



در این مقاله، به بررسی نقش ارتباطات در توسعه می‌پردازیم. ارتباطات به عنوان یک ابزار قدرتمند برای برقراری روابط و تبادل نظر بین افراد و سازمان‌ها شناخته می‌شود. در دنیای امروز، ارتباطات نقش مهمی در پیشرفت و توسعه دارد. از طریق ارتباطات، می‌توانیم ایده‌ها را به اشتراک بگذاریم، همکاری‌ها را تقویت کنیم و مشکلات را حل کنیم. ارتباطات همچنین به ما کمک می‌کند تا با دیگران درک متقابل داشته باشیم و به یکدیگر کمک کنیم. در ادامه، به بررسی پنج اندیشه ارتباطی خواهیم پرداخت که می‌تواند به بهبود ارتباطات ما کمک کند.

در این مقاله، به بررسی نقش ارتباطات در توسعه می‌پردازیم. ارتباطات به عنوان یک ابزار قدرتمند برای برقراری روابط و تبادل نظر بین افراد و سازمان‌ها شناخته می‌شود. در دنیای امروز، ارتباطات نقش مهمی در پیشرفت و توسعه دارد. از طریق ارتباطات، می‌توانیم ایده‌ها را به اشتراک بگذاریم، همکاری‌ها را تقویت کنیم و مشکلات را حل کنیم. ارتباطات همچنین به ما کمک می‌کند تا با دیگران درک متقابل داشته باشیم و به یکدیگر کمک کنیم. در ادامه، به بررسی پنج اندیشه ارتباطی خواهیم پرداخت که می‌تواند به بهبود ارتباطات ما کمک کند.

نقش ارتباطات در توسعه

در دهه‌های اخیر، پژوهش پیرامون نظام ارتباطی به عنوانی یکی از ارکان مهم اجتماعی که با دیگر نظام‌های موجود در جامعه و مبادلات متقابلی دارد و به نیازهای گوناگون جامعه انسانی پاسخ می‌دهد، توجه بسیاری از پژوهشگران علوم ارتباطات را به خود جلب کرده است.

به دلیل افزایش نیازهای بشری و پیچیدگی‌های جامعه انسانی نقش وسایل ارتباطی اشکال و جنبه‌های مختلفی به خود می‌گیرد. نظام ارتباطی در مفهوم عام، پدیده‌ای است جهانی که در همه جا وجود دارد و به نیازهایی پاسخ می‌دهد که برای تمامی افراد مشترک است. در واقع، جامعه انسانی نمی‌تواند بدون نظام ارتباطی به حیات خود ادامه دهد.

ارتباطات جمعی به عنوان یک نهاد اجتماعی، با دیگر نهادهای موجود در جامعه مبادلاتی متقابل دارد. بدون شک، این نهاد اجتماعی در روند تغییرات اجتماعی و رشد اقتصادی، عامل مهمی تلقی می‌شود.

ارتباطات به معنای عام، نشانگر ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک جامعه مشخص است.

توجه به آثار ارتباطات به ویژه از دهه ۱۹۵۰، به سبب اهمیت یافتن امر توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم، افزایش یافت. از آن پس چون از نظر کارشناسان غربی، اساس توسعه اقتصادی، رشد سریع تولید شناخته می‌شد و به عقیده آنان چنین رشدی ایجاب می‌کرد که در رفتار انسانی تغییرات اساسی پدید آید و ارتباطات به عنوان یک عامل دگرگونی رفتارها به کار گرفته شود، وسایل ارتباط جمعی نیز به مثابه ابزارهای کلیدی توسعه اقتصادی شناخته شد. فرآیند توسعه، رابطه پایداری با تعامل میان مردم و مشارکت فعال گروه‌های مختلف اجتماعی دارد. این امر صورت نمی‌گیرد، مگر در پرتو نظام جامع ارتباطی - اطلاعاتی که می‌تواند تا حد زیادی در رفع اختلافات، تضادهای موجود در ارزش‌ها و رفتارهای مردم و فراهم آوردن محیط مساعد برای توسعه ملی، موثر باشد.

این پدیده در جوامع در حال توسعه یا کم‌رشد، به دلیل بومی نبودن و نهادی نشدن وسایل ارتباطی مدرن و برخورد آن با وسایل ارتباطی سنتی، به عنوان نیروی اجتماعی فعال - مسایل و مشکلات کم و بیش مشابهی را پدید آورده است.

شناخت ابعاد این پدیده برای پژوهشگران ارتباطات در دهه‌های اخیر، مرزهای نوینی را گشوده است. از این رو می‌کوشیم، یافته‌های آنها را در اینجا مورد بررسی قرار دهیم.

تعریف واژه‌ها و مفاهیم

نقش: به گفته آن ماری روشیلا و سپانله، این اصطلاح را نخستین بار افرادی نظیر کوتول لیتون و پارسونز در سال‌های ۱۹۳۲ در سه مقاله جداگانه به کار برده‌اند.

لیتون در این باره می‌گوید: نقش جنبه پویایی منزلت، یعنی نگرش‌ها و ارزش‌ها و رفتارهای تعیین شده به وسیله جامعه در رابطه با منزلت‌های اجتماعی مشخص است.

درباره نقش‌های وسایل ارتباط جمعی، مفهوم نقش پیچیدگی کمتری دارد، زیرا پژوهشگران بر اساس نیازهای جامعه، الگوهای رفتاری این وسایل را مشخص کرده‌اند. بنابراین وسایل ارتباط جمعی با موقعیت و پایگاهی که در جامع دارند، باید تا حد امکان با فعالیت‌های خود در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، آموزشی و تفریحی، انتظارات مردم را برآورده سازند و به آنها پاسخ دهند.

● مهناز رونقی
عضو هیات علمی گروه ارتباطات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

امروزه عمده‌ترین نقش که وسایل ارتباط جمعی بر عهده دارند، عبارت است از: فرهنگ سازی آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی. (۱)

وسایل ارتباط جمعی: وسایلی شگرف که مظهر ارتقای تکنولوژیک انسانند، دارای بیشترین تاثیر فرهنگی از میان تمامی ابزار و فنون جدیدند و بالاخره، در آستانه ورود جامعه بشری به هزاره سوم میلادی، وسایل ارتباط جمعی پرتاب جوامع را به سوی آینده موجب گردیده‌اند.

این وسایل در پیدایی عادات تازه، تکوین فرهنگی جهانی، تغییر در رفتار و خلق و خوی انسان‌ها و بالاخره کوچک شدن کره زمین و همسایگی ملل دور دست،

سهمی شگرفت بر عهده دارند. آن چنان که برخی عصر نور را عصر ارتباطات می‌خوانند و میزان پیوند یک جامعه را با افق شگرف تغییرات نوین، میزان تحرک آن در زمینه ارتباطات می‌خوانند. (۲)

توسعه: بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه. امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست، مجموعه‌ای از این احتیاجات است.

جنبه‌های مهم توسعه عبارتند از: ارتقای سطح زندگی افراد (مثل درآمد، مصرف مواد غذایی، خدمات بهداشتی و آموزشی) از طریق مناسب رشد اقتصادی، ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس افراد شود و افزایش آزادی‌های آنها.

توسعه فرآیندی است که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر محل هماهنگ کند، مردم این محل را در زندگی یک ملت ترکیب نماید و آنها را تماما برای مشارکت در پیشرفت ملی تواناسازد. (۳)

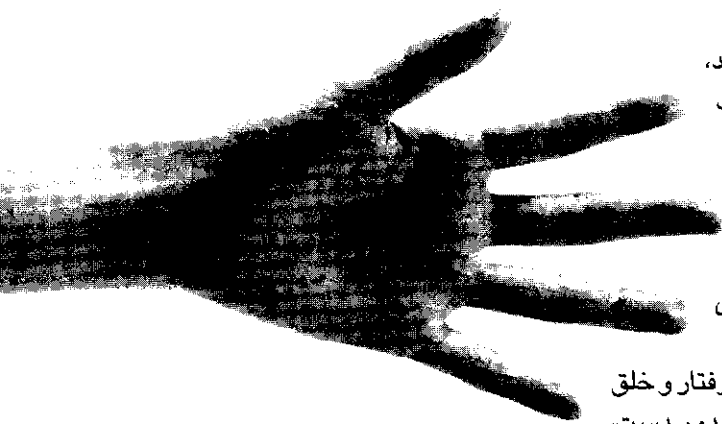
جهان سوم: جهان سوم اصطلاحی است که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رواج یافت و مقصود از آن مجموعه کشورهای تازه استقلال یافته قاره‌های آسیا و آفریقا و همچنین مجموعه کشورهای است که نه از شمار کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری به شمار می‌آیند نه از شمار کشورهای توسعه یافته کمونیست (در این معنی کشورهایمانند چین، کره شمالی و ویتنام و کامبوج) نیز، اگرچه رژیم کمونیست دارند در مجموعه جهان سوم می‌گنجد.

عنوان‌های هم‌ردیف این اصطلاح برای این کشورها، کشورهای توسعه نیافته، کم توسعه یا روبه توسعه است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یک جنبش سیاسی بین‌المللی در این کشورها برای کسب هویت خاص سیاسی و اخلاقی در برابر دو بلوک شرق و بلوک غرب پدید آمد که رهبران برجسته آن جواهر لعل نهرو از هند، ناصر از مصر، سوکازو از اندونزی و تیتو از یوگسلاوی بودند.

کنفرانس باندونگ و کنفرانس بلگراد اجتماعی از رهبران پیشینه این گونه کشورها بود که با نام غیر متعهد در پی

کسب هویت تازه بین‌المللی بودند و حتی برخی امید بسته بودند که از میان این کشورها بلوک سوم یا نیروی سومی در برابر بلوک‌های شرق و غرب به وجود آید.

این اواخر، برخی نویسندگان غربی تقسیم‌بندی تازه‌ای کرده‌اند و کشورهای روبه توسعه دارای منابع طبیعی غنی، مانند کشورهای نفت خیز خاورمیانه را جهان چهارم نامیده‌اند. (۴)



نظریات اندیشمندان درباره موضوع مورد بررسی

تکیه بر نقش‌ها و کاربردهای اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی، در مطالعات و تحقیقات ارتباطی چند دهه اخیر درباره جهان سوم، تأثیر فراوان باقی گذاشته است.

در این زمینه نظریه مشهور دانیل لرنر آمریکایی درباره «نوسازی» جهان سوم و نقش قاطع وسایل ارتباط جمعی در پیشرفت کشورهای در حال توسعه، که در کتاب معروف او به نام «گذر از جامعه سنتی نوسازی خاورمیانه» تشریح شده است. اهمیت خاص دارد.

وی ارتباطات جمعی را عامل اصلی تحرک جوامع سنتی و تبدیل انسان‌های سنتی به انسان‌های متجدد معرفی می‌کند و با تأکید بر ضرورت گسترش چند عامل مهم «نوسازی» مانند «شهرنشینی»، «سوادآموزی»، «استفاده از وسایل ارتباط جمعی»، «مشارکت اقتصادی و سیاسی» برای کشورهای جهان سوم نیز بر اساس تجربیات چند قرن کشورهای غربی در راه نیل به «تجدد» و «دموکراسی» همان راه واحد، ولی بسیار سریع‌تر «تجددطلبی» و «مشارکت جویی» را توصیه می‌کند (۵).

از نظر لرنر، بر اساس الگوی نوگرایی، حرکت از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس به مرحله جامعه نوین، همواره با تغییر نظام‌های سنتی به نظام‌های نوین و نه بالعکس همراه بوده است.

او بر آن است که تفاوت این دو نظام در اینجاست که ارتباطات بین فردی سنتی، به تقویت نگرش‌ها و آداب سنتی می‌انجامد، حال آنکه ارتباط جمعی، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای تازه را می‌آموزد. بنابراین رسانه‌های جمعی تقویت کنندگان تحرکند و این امر به این معناست که رسانه‌های جمعی، در برابر مخاطبان فرایند خود هم از ظرفیت برقراری ارتباط بانوع تغییر و هم از ظرفیت برقراری با امکان تغییر برخوردارند. لرنر بر این باور است که میان شاخص رسانه‌ای نوگرایی و سیر نهادهای اجتماعی، نوعی کنش متقابل وجود دارد.

نظر لرنر دایره بر اینکه دسترسی رسانه‌های جمعی، پیش شرط مشارکت در جامعه نوین بوده و رسانه‌های جمعی، مستقیماً بر نگرش‌ها و رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارد، نه تنها از سوی منتقدان الگوی سنتی، بلکه حتی از سوی بررسی کنندگان الگوهای ارتباطی و توسعه لیبرالی سرمایه‌داری به چالش فراخوانده شده است.

برای نمونه، در حالی که «لوسیان پای» معتقد بود که همه جنبه‌های ارتباطات و ترجیحاً خود رسانه‌های جمعی عوامل اصلی مشارکت سیاسی‌اند، «اتیل دوسولاپول» به این موضوع که رسانه‌ها به همان اندازه در تغییر نگرش‌ها و مهارت‌ها مؤثرند، بدبین بود (۶).



از نظر لرنر اساس رشد اجتماعی را می‌توان به صورت وجود عامل زیر تشریح کرد: مجموعه‌ای از شخصیت‌های متحرک و پذیرا نسبت به تغییرات، سیستم در حال گسترش ارتباط جمعی به صورتی که بتواند نظریات و طرز فکرهای خاص تحریک اجتماعی و تغییر را در اختیار اکثریت قرار بدهد و دامنه آن را وسعت بخشد، رواج شهرنشینی، سواد، زندگی صنعتی و همکاری دو جانبه با وسایل ارتباط جمعی به صورتی که موجب نوسازی اجتماعات قدیمی شده و آنها را مبدل به جوامع مدرن سازد.

بنابراین نتیجه‌گیری لرنر از تحقیقات و تفکراتی که انجام داده می‌توان عبارت از این دانست که ارتباط جمعی به صورت یک عامل بسیار بزرگ تکثیرکننده می‌تواند در مساله رشد و عمران دخالت کرده و اطلاعات و طرز فکرهای لازم و ضروری را در حد غیر قابل تصویری به سرعت و در یک محدوده وسیع نشر و توسعه بدهد.

لرنر و سایر کسانی که این مساله بسیار مهم را مورد بررسی قرار داده‌اند، متوجه شده‌اند که بین دو موضوع، رشد اقتصادی و رشد مسایل ارتباطی از جهت آماری ارتباط بسیار زیادی وجود دارد. به عبارت دیگر به سرعتی که درآمد سرانه ملی مردم یک مملکت زیاد می‌شود و افراد بیشتری روبه سوی زندگی شهری و خصوصیات ممتاز آن می‌آورند و از نعمات اجتماع صنعتی برخوردار می‌گردند، تقریباً به همان سرعت بر میزان طبقه سواد افزوده شده، در نتیجه روزنامه طرفدار زیادتری پیدا می‌کند و مردم از وسایل ارتباط جمعی مثل گیرنده‌های رادیویی و تلویزیونی نیز بیشتر استفاده می‌نمایند.

«ویلیبر شرام» و «کارتز» نیز در مطالعه‌ای که در ۱۰۰ مملکت مختلف انجام دادند بین رشد اقتصادی و آنچه معرف سیستم وسایل ارتباطی بود، رابطه‌ای به نسبت ۰/۷۲ و ۰/۷۴ پیدا کردند. «گرین برگ» در ۳۲ کشور که موضوع مطالعه او بودند در بین دو مساله سواد و درآمد سرانه ۷۲ درصد و بین درآمد سرانه و توزیع روزنامه یومیه ۶۶ درصد ارتباط پیدا کرد. در این مورد می‌توان از ارقام و آمار منتشره به وسیله سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) یاد کرد.

«هاربین» در گزارشی اعلام کرد که بین میزان ثبت نام اطفال و جوانان در مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها و درآمد سرانه ملی، ارتباطی معادل ۸۸٪ وجود دارد (۷).

دویچ من در پژوهشی که در یک روستای توسعه نیافته (آند) انجام داده، تاثیر متغیرهایی مانند سن، بعد خانوار و سطح آموزش را بررسی کرده است. او در نهایت، نشان داده است که همبستگی خاصی بین متغیرهای پیشین و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی وجود دارد. او ملاحظه کرده است که رابطه نزدیک بین میزان استفاده از این وسایل و متغیرهای پیشین، نظیر زمان لازم برای پذیرش نوآوری‌ها وجود دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



از جانبی نیز به نظر او اشتباه خواهد بود، اگر بیسواد را مانعی بزرگ در برابر اشاعه اطلاعات از طریق مطبوعات تلقی کنیم، زیرا در روستاهایی که بیشتر جمعیت آن را بی‌سوادان تشکیل می‌دهند، چند فرد باسواد روزنامه‌ها را می‌خوانند و سپس آنچه را که خوانده‌اند برای دیگران نقل می‌کنند و همین روند در کانون خانواده صورت می‌گیرد.

پس خانوار (مجموعه افرادی که در یک واحد مسکونی زندگی می‌کنند)، به عنوان واحدی اساسی پیش از فرد در بررسی‌های مربوط به چگونگی استفاده از وسایل ارتباط جمعی حایز اهمیت است.

راجرز نیز این نظریات را تایید کرده و به سهم خود، آنها را بر متغیرهای پیشین که پیش‌بینی میزان استفاده از وسایل ارتباط را ممکن می‌سازد، پرورش و مختلط بودن شهرها را نیز می‌افزاید. گذشته از این، نشان می‌دهد که میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز به نوبه خود، می‌تواند پیش‌بینی میزان همدردی، شناخت سیاسی، آرمان‌های تحصیلی و خلاقیت را ممکن سازد (۸).

یکی از دانشمندان جوان هندوستان به نام «رائو» تصمیم گرفت که ارتباط موجود بین رشد ملی و توسعه و پیشرفت وسایل ارتباطی را به نحو دقیق‌تری مورد ارزیابی و بررسی علمی قرار دهد.

سوال مهمی که جلب نظر او را کرد این بود که کدام یک از این دو عامل، نقش محرک اصلی و ابتدایی را برعهده دارد. به عبارت دیگر آیا رشد ملی موجب توسعه ارتباط و پیشرفت وسایل ارتباطی می‌گردد یا برعکس هر قدر وسایل ارتباطی بهتر و کامل‌تری در اختیار مردم یک مملکت باشد (و در نتیجه طبقات مختلف اجتماع بتوانند اطلاع لازم و مورد قبول را سهل‌تر دریافت نمایند) رشد اقتصادی و اجتماعی به نحو موثرتری حاصل می‌گردد.

رائو برای اینکه بتواند اطلاعاتی در زمینه این مسأله مهم بدست آورد دو روستا را در هندوستان مورد مطالعه علمی قرار داد. زمانی که او این تحقیق علمی را آغاز نمود یکی از این دو روستا (که بنام روستای الف از آن یاد خواهیم کرد) به تازگی شکل و خصوصیات قدیمی خود را از دست می‌داد و پایه مرحله نوینی از پیشرفت و تغییر می‌گذاشت.

این روستا به تازگی صاحب چند واحد صنعتی کوچک شده بود که به افراد بسیاری فرصت می‌داد به جای ترک روستا در زادگاه خویش باقی مانده و بتواند درآمد کافی برای اداره زندگی خویش بدست آورند. در مقابل این روستا، دهکده دیگر (که بنام روستا ب یا دهکده ب از آن یاد خواهیم کرد) کلیه مشخصات قدیمی خود را حفظ کرده بود و اثرات سیستم بازرگانی بر اساس سیستم متداول معاوضه اجناس به چشم می‌خورد.

رعایت قوانین و مقررات مربوط به طبقات اجتماعی از هر جهت تقویت می‌شود و افراد اگر می‌خواستند کار کنند باید در مزارع اربابان، در مقابل دستمزد بسیار کم شخصیت و ارزش انسانی خویش را فراموش نمایند.

رائو به این نتیجه مبهم رسید که یکی از اختلافات قابل توجه دو دهکده در وجود جاده‌ای بود که روستای الف را به شهر کوچکی در همسایگی آن مربوط می‌ساخت. از همین راه بود که چیزهای نوظهور و قابل توجهی مثل مردمان غریبه اما جالب با افکار نو، مجلات و روزنامه‌ها با عکس‌ها و اخبار هیجان‌انگیز و فیلم‌ها با داستان‌ها و افکار شیرین پا به محیط روستا می‌گذارند و از همین راه بود که مردم روستا می‌توانستند خود را به آسانی به شهر برسانند و با زندگی مردم شهری و خصوصیات رفتاری ایشان آشنا بشوند. وجود این جاده و راه باعث شده بود که به قول رائو وقتی پس از چندی یک واحد صنعتی کوچک برای اولین بار در این روستا پیاده شد مردم از هر جهت برای قبول آن آمادگی داشته باشند.

رائو می‌گوید، وقتی اطلاعات و افکار نو از خارج به روستاها و دهات دور افتاده و جدا از اجتماعات صنعتی می‌رسد، تغییر و تحول نیز به دنبال آن خواهد آمد. به قول شرام توده‌ها درباره این تغییرات سوالات بسیار زیادی را مطرح می‌کند که در بسیاری از موارد باید فوراً به

آنها پاسخ داد. در جایی که حامل‌های ارتباطی و اطلاعاتی وجود داشته باشد این کار تقریباً به سهولت امکان‌پذیر خواهد بود و افراد بسیاری می‌توانند از این پاسخ‌ها بهره ببرند. از این گذشته وقتی حامل‌های ارتباطی به صورت‌های گوناگون در اختیار اجتماع نباشد (روزنامه، رادیو و غیره) تغییراتی که ناشی از افکار و عقاید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و در محیط نفوذ کرده به صورت بسیار آرام و بدون اشکال انجام می‌پذیرد. در حالی که وقتی حامل‌های ارتباطی بسته هستند و تنها به وسیله عده معدودی کنترل و نگهداری می‌شوند، تغییرات به اشکال بسیار زیاد صورت پذیرفته و حتی باعث تفرقه و جدایی طبقات مختلف اجتماع می‌گردد.

وجود حامل‌های ارتباطی موازی نیز که در ردیف یکدیگر مورد استفاده اجتماع قرار بگیرند. می‌توانند از هر جهت عامل موثری در راه ایجاد تغییرات به شمار بروند. منظور از حامل‌های ارتباطی و اطلاعاتی موازی این است که در آن واحد افراد یک اجتماع بتوانند از رادیو، روزنامه، تلویزیون و... استفاده کرده و اطلاعات موردنیاز خود را در مورد مساله و موضوع خاصی به دست آورند.

از آنجا که افراد می‌توانند از هریک از این حامل‌ها برای کنترل و بازرسی مطالب حامل‌های دیگر استفاده نمایند، بنابراین وجود چند حامل ارتباطی موازی می‌تواند تا حد بسیار زیادی مفید به فایده باشد (۵).

ویلبر شرام که بر اساس پژوهش‌های بی‌شمارش در مورد نقش وسایل ارتباط جمعی در جهان سوم، می‌گوید: ترغیب مردم در کشورهای در حال توسعه به تصمیم‌گیری پیرامون توسعه، زمینه دادن به آنها برای مشارکت موثر تسریع و هماهنگ کردن تحولات موردنظر و... این به طور کلی، یک روند انعطاف‌ناپذیر و نامعین نیست.

اگر جریان ارتباطات اجازه دهد، مردم نیز می‌توانند کارهای بسیاری انجام دهند. تعیین اهداف و تصمیم‌گیری درباره زمان و چگونگی تغییرات و اینکه جامعه خود را به چیزی می‌خواهند تبدیل کنند.

شرام همچنین درباره نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه ملی، دیدگاه خوشبینانه‌ای دارد او می‌گوید: رسانه‌های جمعی درباره میزان و انواع اطلاعاتی که در کشورهای در حال توسعه در دسترس مردم قرار دارد، می‌توانند مشارکت کنند.

آنها می‌توانند افق‌ها را گسترش دهند، به انتقال فکر کمک کنند و سطح فکر فردی و ملی را بالا ببرند. آنها می‌توانند همه اینها را خودشان مستقیماً انجام دهند.

آنچه در مطالعه ویلبر شرام در کشورهای جهان سوم حایز اهمیت خاص است، این است که توسعه اقتصادی، جز در صورت تحقق توسعه اجتماعی میسر نیست و توسعه اجتماعی، مستلزم بسط آموزش و اطلاعات است.

بنابراین باید پذیرفت که وسایل ارتباط جمعی، تأثیری قطعی بر توسعه فرهنگی و ز خلال آن، توسعه اقتصادی خواهند داشت. برای گسترش زراعت و صنعت، باید سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی را رونق بخشید و این امر متضمن بسیج منابع





انسانی است که در آن میان، آموزش عامل اساسی است (۹).

روبرت سارنوف معتقد است: تلویزیون نقشی قطعی و حیاطی در انگیزش رشد اقتصادی و تحکیم مبانی دموکراسی ایفا می‌کند.

در هر اقتصاد آزاد گسترش تولید به طور اساسی بر به‌کارگیری تقاضای مصرف‌کننده متکی است و در هر اقتصاد مانع گسترش تقاضا نه تنها با فزونی جمعیت بلکه با تحریک دایمی خواست‌های مصرف‌کننده ارتباط می‌یابد. به همین سبب لزوم تبلیغات به عنوان محرک پایه احساس می‌شود و تلویزیون بهترین وسیله انتقال این محرک به همگان است.

اما سخن از این رفته است که انگیختن همگان در خرید با مسوولیت‌های ملی مطابق نیست تاریخ نشانگر شواهد علیه این مطلب است زیرا با افزایش مصرف در هر جامعه سطح درآمد ملی و میزان سرمایه‌گذاری دولت‌ها در امور رفاه اجتماعی نیز بالا رفته است. آنچه سارنوف می‌گوید بی‌شک می‌تواند محل بحث و تفکر باشد (۱۰).

لئونارد دوب یکی از استادان دانشگاه بل آمریکا، در تحقیقاتی که در آفریقا انجام داده به نتایج ارزشمندی دست یافته است.

دوب در گزارش خود چنین می‌نویسد: مردم آفریقا که در جوامعی با ویژگی‌های گوناگون ساکن‌اند، در طول زمان و از طریق مختلف، شکل خاص ارتباطی مورد نیاز خویش را به وجود آورده‌اند و این شکلی است که در یک زمان معین، از هر نظر نیازمندی‌هایشان را برآورده ساخته است و... با همان سرعتی که مردم آفریقا کارها و ارزش‌های بیشتری را از مردم مغرب زمین به غایت می‌گیرند. به نحو عجیبی بر وسایل نشر و توسعه، به ویژه وسایل ارتباط جمعی و فرهنگی که جذب کرده‌اند، متکی می‌شوند.

آفریقای جدید. آمیزه‌ای از سیستم ارتباطی تازه و سنتی را در اختیار دارد و علت این امر را باید در این نکته جستجو کرد که هر دو سیستم، از سویی نمایانگر تغییراتی است که انجام می‌پذیرد و از سوی دیگر، خود به نحو قابل ملاحظه‌ای، تحت تاثیر این تغییرات قرار می‌گیرد.

مشاهدات دوب در آفریقا نظریات «لرنر» و «رائو» را تایید می‌کند و توجه به نتایج تحقیق این دانشمندان نیز موید این نکته مهم است که اطلاعات در دوران تغییر و تحول فرهنگ نقش بسیار مهم و برجسته‌ای را برعهده دارد و بین رشد و توسعه سیستم ارتباطی و رشد اجتماعی و اقتصادی، در رابطه تاثیر و تاثیر بسیار نیرومندی را می‌توان احساس کرد.

از دیدگاه غربی توسعه، کشورهای عقب مانده باید ارزش‌ها، نهادهای اجتماعی و تکنولوژی‌های کشورهای پیشرفته‌تر را کسب کنند و ارتباطات نیز باید در خدمت پیشبرد این ارزش‌ها و نهادهای تکنولوژی‌ها به کار گرفته شوند. با این وصف در سال‌های اخیر این دیدگاه به دلیل شکست‌های مکرر آن مورد معارضه جویی واقع شده است و در برابر آن مفهوم تازه‌ای از توسعه که به مشارکت مستقیم مردم در برنامه‌های دگرگونی اجتماعی توجه دارد، پدید آمده است. در همین زمینه، گرایش نوسازی جویانه ارتباطات توسعه بخش نیز مورد انتقاد قرار گرفته و از سوی اکثر کشورها طرد شده است.

در دو دهه اخیر، عده زیادی از اندیشمندان و متخصصان ارتباطی کشورهای غربی و جهان سوم به بازنگری نظریه‌ها و الگوهای حاکم غربی در زمینه رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و نیز بینش ارتباطات در نوسازی کشورهای عقب مانده پرداخته‌اند و جنبه‌های منفی آنها را یادآوری کرده‌اند.

یکی از مشهورترین انتقادگران در این مورد، پائولو فریره اندیشمند برزیلی است که ارتباطات و نظام‌های آموزشی کنونی را به عنوان شبکه‌های سلطه‌گری و اطاعت جویی خلق‌ها در جهان سوم معرفی می‌کند.

به عقیده او انتقال معلومات از یک منبع معرفتی قدرتمند، به دریافت‌کنندگان انفعالی، به هیچ وجه در رشد شخصیت آنها تأثیر مثبت نمی‌گذارد و به ایجاد خودآگاهی مستقل و انتقادگر و توانا کردن افراد برای مشارکت در حل مسایل اجتماعی کمک نمی‌کند. به همین جهت، به پیشنهاد او نظام کنونی آموزش، که او آن را آموزش مخزنی می‌نامد و بر معلومات انباشته شده معلمان استوار است، باید به نظام جدیدی برای آموزش ستمدیدگان تبدیل شود.

پائولو فریره برای این نظام جدید، اصول زیر را در نظر گرفته است:
اعتقاد به توانایی افراد برای فراگیری، دگرگونی و رهایی خویش از شرایط سرکوب‌کننده جهل و فقر و استثمار.

تماس مستقیم فراگیرندگان با واقعیت‌های خاص زندگی و مسایل مربوط به آن، تجزیه و تحلیل فشارها و محدودیت‌های تحمیل شده به آنان از سوی ساختار اجتماعی و ایدئولوژی رسمی.

طرد تفاوت‌های موجود بین آموزش دهنده و آموزش‌گیرنده و در نظر گرفتن هر دو به عنوان فراگیرنده.

گفت و شنود آزاد.

مشارکت در کوشش‌های رهایی دهنده.

ارتباط در فرایند تاریخی مفهوم توسعه

از آغاز قرن نوزدهم سولاتی درباره ارتباطات به طور اعم و تکنولوژی‌های ارتباطی به طور اخص در تغییرات اجتماعی رشد اقتصادی و دگرگونی‌های سیاسی که کشورهای موسوم به نیمه صنعتی یا در حال توسعه بعدها با آن روبرو شدند مطرح بوده است. تاریخ آمریکای لاتین آسیا و خاورمیانه در قرن ۲۰ مبین این حقیقت است که نهادهای ارتباطی قدیم و جدید مستقیماً در تعلیم ملت‌ها نقش داشته‌اند. به طوری که می‌توانیم در تعدادی از این کشورها پیوندهای مستقیمی را بین مطبوعات و انقلاب، ارتباطات از راه دور نوگرایی و نهادهای سنتی و انقلاب به وضوح ببینیم. معذالک کاربرد مفهوم توسعه به عنوان چارچوب نظری برای مطالعه برخی از تحولات که افراد موسسات ملل و روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تنها بعد از جنگ جهانی دوم گسترش یافت. از سال‌های ۴۰ به بعد و بویژه طی ۲۰ سال اخیر توسعه رشد نوگرایی، تغییر و تحول، دموکراسی، تولید، صنعت‌گرایی و چند مفهوم دیگر که در دگرگونی دنیای خبری نقش دارد به کار برده شده است.

توسعه در سال‌های ۶۰ حوزه تحقیقات نظری و جامعه‌شناسی حایز اهمیتی به شمار می‌رفت که الگوی برتر پیشرفت و نوگرایی را شامل می‌شود و به طور گسترده‌ای بر عوامل اقتصادی، تکنولوژیک و نهادی سیطره داشت.

افزایش و تنوع کاربرد ارتباطات در فعالیت‌های مربوط به توسعه به خصوص از چند دهه قبل به این سو، مطالعه رابطه بین این دو حوزه را دشوارتر کرده است. بنابراین توجه به این واقعیت ضروری است که تجربه و تحلیل ارتباطات برون در نظر گرفتن شبکه‌های متعددی که اطلاع‌رسانی از طریق آنها در بین افراد و گروه‌ها به جریان می‌افتد، امکان‌پذیر نیست. متفاوت از آنچه که در طول چند دهه قبل مشاهده شد، ارتباط در گرایش کنونی خود مجموعه مرکب و سازمان یافته است که ابعاد انسانی و جنبه تکنولوژیک آن از یکدیگر تفکیک ناپذیرند.

توسعه چیست؟

ابن خلدون (۱۴۰۶-۱۳۳۲) برای اولین بار در کتابش تحت عنوان مقدمه به مفهوم توسعه اشاره کرده است. این متفکر اسلامی و بنیانگذار جامعه‌شناسی و علم جمعیت‌شناسی به مفهوم امروزی آن مشکلات اجتماعی را تجزیه و تحلیل کرده و عبارت علم‌العهدان را برای تشخیص علم نوین توسعه یا جامعه ابن خلدون برای توصیف علل اساسی دگرگونی‌های تاریخی در جهت توسعه نکاتی را برشمرده است که به عقیده او در ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع وجود دارد. در اولین دهه‌ها بعد از جنگ جهانی دوم عبارت توسعه و نیز گرایش‌های نژادپرستی به صورت موج گسترده‌ای در اروپا، آمریکای شمالی و در بین نخبگان کشورهای نیمه صنعتی انتشار یافت در این کشورها در بیشتر موارد توسعه یا مفهوم غرب‌گرایی با اروپاگرایی همراه بود.

روابط اقتصادی بین‌المللی نوین

اقتصاد بین‌المللی نوین به سه موضوع زیر اشاره دارد.

- نوع جدیدی از یک ایدئولوژی انتخابی و کاملاً فعال لیبرالیسم در اقتصاد بین‌المللی که برای افزایش دسترسی به بازارهای خارجی طراحی شده باشد.
- یک عامل نیرومند حمایت‌گرایی و دخالت چند جانبه دولت به ویژه الف طی مرحله‌های آغازین توسعه تکنولوژی‌های نوین، فرآورده‌های نو و صنایع جدید و نیز ب به منظور ترتیب دهی عدم موازنه اقتصاد ساختاری و انتقال ساختاری در سطح‌های بخش‌های اقتصادی و اقتصاد کلان به عمل می‌آید.
- ظهور یک ساختار نهادین بین‌المللی نوین برای تامین همگامی با مقررات نوین رفتاری.

تکنولوژی نوین و همگامی با آن

به رغم تلاش‌های فراوان بسیاری از کشورها از زمان جنگ جهانی دوم و به رغم کار فراوان سازمان‌های بین‌المللی پیشرفت در زمینه رسیدن به سطح تکنولوژی نوین در کشورهای جهان سوم در بسیاری از زمینه‌ها کاملاً کند بوده است. شکاف میان شمال - جنوب و کشورهای غنی و فقیر همچنان به صورت یکی از دشواری‌های اساسی حل نشده در جامعه جهانی پابرجا مانده است. برای بسیاری از مردمان، موج نوین تکنولوژی که کشورهای ثروتمند و پیشرفته صنعتی عضو سازمان همکاری و توسعه را فرا گرفته، مایه شدت بخشیدن به این شکاف شده است. از نظر آنها این امر مایه گسترش شکاف شده و حتی کار را بر روی کشورهای فقیر سنگین‌تر کرده است.

تکنولوژی و زیرساخت:

کاربرد ابداعات فضایی برای توسعه به دو عامل کلیدی بستگی دارد: تکنولوژی و زیرساخت مناسب هیچ کشوری نمی‌تواند از زیرساخت‌های مربوط به ارتباطات از راه دور چشم‌پوشی کند و احتمالاً می‌تواند از این زیرساخت‌ها فواید اقتصادی زیادی را تنها با بهره‌برداری از خدمات تلفنی به دست آورد. جریان اطلاع‌رسانی به کمک نوآوری تولیدات و فنون جدید آسان خواهد شد و این زیرساخت امکان تنظیم و اجرای طرح‌های مربوط به توسعه را با گستردگی بیشتر به وجود خواهد آورد.

درک توسعه و ارتباطات:

ساختار کلی توسعه همچنان در برابر بسیاری از مشکلات مربوط به شناخت علمی پدیده‌ها و عملکردهایی قرار دارد که برای عمومی کردن کاربرد ارتباط و ایجاد زمینه مساعد برای نیروهای



بالقوه مانعی محسوب می‌شوند. مشکلات بسیار پیچیده است و به نظر می‌رسد که راه حل‌ها دست نیافتنی است. بنابراین می‌توان این مساله را مطرح ساخت که نوشته‌های مربوط به توسعه اجتماعی قبل از دوره کلاسیک و نئوکلاسیک از یک خصوصیت چند بعدی برخوردار و محور اصلی آن انسان بوده است.

تحقیقات هبوط که کاربرد ارتباطات در زمینه توسعه چندگرایشی را دربر دارد. سال‌های گذشته این گرایش بر ۵ زمینه استوار بوده است:

۱- بررسی عملکرد تکنولوژی امروز در توسعه.

۲- راهبردها و برنامه‌ریزی‌ها

۳- برنامه‌ریزی ارتباطات و توسعه به عنوان فرآیند یکپارچگی که بر اساس آن نه تنها به مجموع عوامل اجتماعی سیاسی و اقتصادی یک سیستم خاص اهمیت داده می‌شود بلکه روابط تنگاتنگ بین تکنولوژی امروزی و زیرساخت ارتباطات نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

۴- توجه به سیاست‌های ملی برای توسعه

۵- نیروهای بالقوه‌ای که این تکنولوژی برای توسعه و ارتباطات در اختیار دارد.

دگرگونی‌های نمود (تکنو- اقتصادی) و تکنولوژی اطلاعات:

برخی از دگرگونی‌ها در نظام‌های تکنولوژی اثرهای فراوانی برجای گذاشته و نفوذ مهمی بر رفتار اقتصادی داشته‌اند. گسترش ماشین‌های بخار و نیروی برق نمونه‌های بارزی از این دگرگونی انتقالی ژرف است. ایجاد نمود تکنو- اقتصادی نیاز به یک روند‌گزینش اقتصادی دارد که ترکیبی عملی از نوآوری‌های فنی گوناگون را فراهم آورد. دوسی ۱۹۸۲ اصطلاح دگرگونی نمود تکنولوژیکی را به کار برده و مقایسه‌ای بار هیافت مشابه کوهن ۱۹۶۲ نسبت به انقلاب‌های علمی در زمینه علوم به عمل آورده است. اندیشه تکنواقتصادی فرانمود بهترین روال کاری تکنولوژی و به ویژه در روندهای ارزان در هر موج، بسیار قابل قبول‌تر از توضیح مبتنی بر نوآوری‌های عهده‌موردنظر در چند صنعت پیشگام - با آنکه کجا چون و چرا مهم هستند - می‌باشد. نمود تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات جدید بر پایه مجموعه‌ای از صنایع استوار است که سریعترین رشد را در میان کشورهای صنعتی پیشرفته دارند مانند صنایع کامپیوتر، قطعات الکترونیک و ارتباطات / مخابرات که از مدتی پیش مایه سقوط قیمت‌ها و روند ضد تورمی صنعت‌ها فرآورده‌های این بخش‌ها و نیز بهبود فراوان عملکرد فنی شده‌اند.

اثرهای تکنولوژی اطلاعات آنچنان فراگیر هستند که هر بخش از اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهند و شاید به راستی بتوان گفت که یک دگرگونی در نمود تکنو- اقتصادی چشم‌اندازی را در همه جا برای تجدید افزایش بازدهی از راه ترکیبی از نوآوری‌های سازمانی - اجتماعی و تکنیکی با عرصه گسترده فرآورده‌ها و خدمات نو و بهبود یافته فراهم می‌آورد. دشواری عمده در این است که دوره دگرگونی نمود در صنایع کاملاً پیشرو نسبتاً اندک می‌باشد. در اینجاست که نوع سستی ساختاری و نهادین آرایه شده از سوی پرز ۱۹۸۳ دقیق بوده و سیاست‌های نوین ملی و رژیم‌های تنظیم‌کننده جدید نقشی کانون در رفع آن بازی می‌کنند.

انقلاب صنعتی دهه ۱۹۸۰

انقلاب صنعتی که در آغاز دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد و ما اکنون در جریان رسایش آن هستیم، می‌تواند نوید بخش و از همه نظر سازنده و مثبت باشد. البته عکس این موضوع نیز می‌تواند رخ دهد یعنی که انقلاب صنعتی کنونی سرانجام به صورت گورستانی سراسری درآید که همه ما را در زیر توده‌های انبوه تکنولوژی‌ها، فن‌ها، دانش‌ها و صنعت‌های خودمان برای همیشه دفن کند و پدیده زندگی بر روی این کره خاکی رها از هستی آخیزده‌ای به نام انسان شود. همانا انقلاب کنونی در نتیجه ایجاد و کاربرد توسعه صنعت الکترونیک پدید آمده است. کشورهای مهم پیشتان

در این انقلاب ژاپن و آمریکا هستند. این انقلاب گسترش شگرفی را در ارتباطات / مخابرات، اطلاعات، تولید صنعتی و کشاورزی، پزشکی و درمانی، هواشناسی هوانوردی و کیهان نوردی، ساختمان، آموزش و دیگر زمینه‌ها پدید آورده است. خواه ناخواه کشورهای در حال توسعه ناگزیرند کما بیش اینگونه فرآورده‌های تکنولوژی پیشرفته الکترونیک را با شرایط و قیمتی که کشورهای دارنده تکنولوژی تعیین می‌کنند وارد سازند و چنین کاری نه تنها بار سنگینی بر تراز پرداخت‌ها و بدهی‌های خارجی آنها خواهد بود، بلکه با توجه به اینکه کشورهای دارنده تکنولوژی پیشرفته به هیچ روی حاضر نیستند که تکنولوژی‌های سطح بالا را به کشورهای در حال توسعه انتقال دهند این کشورها برای همیشه متکی و وابسته به کشورهای پیشرفته باقی مانده و این وابستگی پیوسته مایه شدت بخشیدن به استمرار اقتصادی می‌شود که خواه ناخواه پیامدهای سیاسی مبهمی را به دنبال خواهد آورد.

نکته‌های منفی انقلاب صنعتی:

- ۱- تکنولوژی الکترونی مایه رفاه بیشتر اقتصادی کشورهای پیشرفته و ثروتمندتر شدن شرکت‌های فراملیتی و تهیدستی در کشورهای در حال توسعه شود.
- ۲- صنایع تکنولوژی پیشرفته خود نیز مایه آلودگی بیشتر پیرامون زیست شده.
- ۳- تکنولوژی نوین بیشتر در زمینه‌های نظامی و جنگی به کار گرفته شده و حتی اگر مایه ایجاد جنگ‌های محلی و منطقه‌ای هم نشوند سراسر جامعه بشری را بر روی انبارهای بسیار گسترده مواد مرگ‌زا قرار دهند و سرتاسر جهان را به صورت بانک مرگ در آورند.
- ۴- تکنولوژی‌های پیشرفته در جهتی خلاف روند و کار طبیعت و سرشت هستی گام بردارند و گرچه ممکن برای مدت زمانی اقتصاد و جامعه جهانی را آکنده از شکوفایی کنند. ولی سرانجام مایه‌های اصلی زندگی و بقای انسان را برای این کره خاکی دانسته یا ندانسته خشک کرده و نسل مردمی را به نابودی کشانند.

نتیجه گیری:

ارتباط به عنوان فراگردی جدانشدنی از سایر فراگردهای اجتماعی و سیاسی ضروری برای توسعه و استقلال ملی مورد نظر قرار گرفته است.

سرخوردگی‌های فراوانی که بر اثر شکست برنامه‌های نوسازی غربی در کشورهای جهان سوم پدید آمده، نشان داده‌اند که ارتباطات برای موثر واقع شدن، باید به طور نهادی با فراگردهایی همچون «هشیار سازی، سازماندهی، سیاسی گری و تکنیک دهی» ترکیب شوند. اندیشمندان انتقادگر جهان سوم معتقدند که برای مقابله با عوارض تبعیض آمیز شیوه‌های نوسازی غربی، که فقط به قشرهای مرفه اجتماعی توجه دارند و اکثریت افراد را در شرایط فقر و محرومیت نگاه می‌دارند، باید سازماندهی وسیعی در حوزه اجتماعی به ترتیبی که تمام قشرهای محروم جامعه را در برگیرد، گسترش داد و از این طریق برای تسهیل اقدامات دسته جمعی توسعه بخشی، گروه‌های قدرتمند پدید آورد.

به اعتقاد آنها تنها گسترش سازماندهی کافی نیست و برای آنکه این سازماندهی موثرتر واقع شود باید مردم نسبت به حقوق اجتماعی و توانایی‌های جمعی خود آگاهی یابند.

اگر اطلاعات مفید و ضروری به اندازه کافی در دسترس مردم باشد، این خود موجب آن خواهد شد که فعالیت مردم به خاطر رشد و توسعه به صورت یک جریان مارپیچی روز به روز بیشتر شود. وقتی که اطلاعات به مقدار کافی در اختیار همگان باشد تقسیم کار به صورت آرام‌تری انجام می‌پذیرد.

هنگامی که به دلیل صنعتی شدن اجتماع، نقش‌های جدیدی در امور اجتماعی و صنعتی به وجود می‌آید که سنن و قوانین دست و پاگیر ایام گذشته، معیارهای مطلوب خاصی برای انجام آن پیش بینی نکرده است، وسایل ارتباط جمعی به خوبی می‌توانند در این امر مداخله کرده و با معیارها و ضابطه‌ها و افکار جدید شکاف موجود را پر نمایند.

نشر و توسعه اطلاعات به تدریج باعث وسعت افق موجود شده و اگر اطلاعات، کافی و

مناسب باشد این کار بدون هیچ‌گونه کشمکش و اختلافی بین افرادی که به دلیل حفظ و نگهداری مقررات و سنن گذشته خود را از اجتماع جدا کرده‌اند و کسانی که با دیدگاه‌های جدیدی به تغییر و تحول می‌نگرند صورت خواهد گرفت.

هشیارسازی نیز ممکن است زمانی که مردم به درجه‌ای از سیاسی‌گری که آن‌ها نه فقط برای دگرگون سازی، بلکه مشارکت در تصمیم‌گیری و رهبری سیاسی نیز آماده می‌سازد، نرسیده باشند به سرخوردگی منتهی شود.

بدیهی است که ارتباطات می‌تواند به عنوان وسیله مهمی در جهت تحقیق هشیارسازی و سازمان‌دهی، سیاسی‌گری و تکنیک دهی به کار رود. بنابراین برای آنکه ارتباطات بتواند چنین وظیفه‌ای را ایفا کند باید تمام نهادهای دست‌اندرکار برای تحقق این هدف‌ها، از یک دیدگاه فلسفی و روش‌شناسی ارتباطی مناسب و موزون پیروی کنند. چنین امری فقط در کشورهایی که در تمام سطوح دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه یک الگوی ارتباطی مبتنی بر مشارکت عمومی انتخاب کرده‌اند، امکان‌پذیر است.

پی‌نوشت

- ۱- «مبانی ارتباطات جمعی» دکتر سید محمد دادگران، صفحات ۱۰۶-۱۰۵
- ۲- «جامعه‌شناسی ارتباطات» دکتر باقر ساروخانی، صفحه ۶۲
- ۳- «فرهنگ علوم سیاسی» علی آقابخشی، مینو افشاری‌راد، صفحه ۱۱۴
- ۴- «دانشنامه سیاسی» داریوش آشوری، صفحات ۱۱۸-۱۱۹
- ۵- «ارتباط‌شناسی» مهدی محسنیان‌راد، صفحات ۲۴-۲۵
- ۶- «گذر از نوگرایی»، حمید مولانا، ترجمه یونس شکرخواه، صفحات ۸۴-۸۳
- ۷- ارتباط جمعی رشد ملی، ابراهیم رشید پور، صفحات ۱۵۱-۱۴۹
- ۸- «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی»، ژان کازنو، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، صفحه ۳۲۴
- ۹- همان منبع، صفحه ۳۲۲
- ۱۰- «افکار عمومی»، حسن صفوی، صفحه ۱۸۰

منابع و ماخذ:

- ۱- آقابخشی، علی، افشاری‌راد مینو، «فرهنگ علوم سیاسی»، ناشر مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۶.
- ۲- آشوری، داریوش، «دانشنامه سیاسی»، انتشارات سهروردی و انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، بهار ۱۳۶۶
- ۳- اخوان، جویس - «تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای جهان سوم»، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۴- دادگران، سید محمد، «مبانی ارتباطات جمعی»، انتشارات فیروزه، چاپ اول، تهران ۱۳۷۲
- ۵- رشید پور، ابراهیم، «ارتباط جمعی رشد ملی»، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، خرداد ۱۳۴۸.
- ۶- ساروخانی، باقر، «جامعه‌شناسی ارتباطات»، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۳.
- ۷- شیخی، دکتر محمدتقی، «جامعه‌شناسی جهان سوم»، انتشارات اشراقی، چاپ دوم.
- ۸- صفوی، حسین، «افکار عمومی»، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- ۹- علومی، دکتر پرویز «ارتباطات سیاسی»، نشر علوم نوین
- ۱۰- کاپلینسکی، رافائل - کوپر، چارلز - تکنولوژی و توسعه در سومین انقلاب صنعتی»، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۲
- ۱۱- کازنو، ژان، «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی»، ترجمه باقر ساروخانی، منوچهر محسنی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۲- محسنیان‌راد، مهدی، «ارتباط‌شناسی»، انتشارات سروش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۳- مولانا، حمید، «گذر از نوگرایی»، ترجمه یونس شکرخواه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۴- هابت، آمدی میخائیل، «نقش رسانه‌های گروهی در جهان سوم»، ترجمه مصطفی‌امیدی، مجله رسانه، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۱.